

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۲/۰۶

صص: ۸۲-۵۷

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷
الکترونیکی: ۲۶۵۴-۴۹۷۱

DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.121.3.0

بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر بحران سوریه (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸)

حیدر منصور^۱ | محمد تقی رکنی لموکی^۲

چکیده

در دهه اخیر سوریه به‌عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه غرب آسیا و نیز خط مقدم جبهه مقاومت، دچار بحران شدید و جنگ داخلی گسترده گردید و این بحران به‌سرعت ابعاد منطقه‌ای و جهانی پیدا کرد. گروه تروریستی داعش، با دست آویز قرار دادن، مسائل داخلی سوریه همچون مسائل اقتصادی، نقش اساسی در شکل‌گیری این بحران ایفا کرد. اگرچه گروه تروریستی داعش از نظر سرزمینی، دیگر وجود خارجی ندارد، اما تفکر تکفیری - تروریستی آنان مانند آتش زیر خاکستر، همچنان کشور سوریه و نیز جبهه مقاومت را تهدید می‌کند. این مقاله باهدف پاسخ به پرسش «عوامل اقتصادی مؤثر بر بحران آفرینی داعش در کشور سوریه چیست؟» تألیف شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد افزون بر چالش‌های هویتی، مذهبی و نیز مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مخالف جبهه مقاومت، چالش اقتصادی همچون سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد، تبعیض‌های اقتصادی ناشی از عوامل قومی، مذهبی و سیاسی و غیره نیز از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بحران در سوریه و جذب برخی از گروه‌ها به معارضین بوده است. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش کتابخانه‌ای و مصاحبه و روش تحلیل داده‌ها توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: سوریه؛ بحران، داعش؛ عوامل اقتصادی؛ تکفیر.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

heydar.mansouri.2020@gmail.com

۲. استادیار، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع)، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

تاریخ اسلام همواره شاهد قدرت‌طلبی‌هایی تحت لوای شعارهای دینی و اجتماعی بوده است که منجر به ایجاد و قدرت‌گیری جریان‌های انحرافی و به دنبال آن جنگ و خون‌ریزی در جهان اسلام شده است. منطقه غرب آسیا که به‌عنوان کانون اسلام شناخته می‌شود، به جهت وجود منابع سرشار انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی، و نیز وجود کشورها و گروه‌های فعال در جبهه مقاومت، از درجه اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. طی دهه‌های اخیر، این منطقه شاهد بحران‌های گوناگون و عرصه درگیری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. در سال ۲۰۱۱ کشور سوریه شاهد اعتراضات و راهپیمایی‌های مردمی باهدف اصلاحات اجتماعی و سیاسی بود. اما به دلایلی مانند: «سرکوب معترضان در درعا توسط دولت، تنش‌آفرینی رهبران سلفی - تکفیری، دخالت مخرب قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، قدرت‌گیری گروه‌های تکفیری به‌ویژه گروه تروریستی داعش»، این کشور وارد یک بحران و جنگ داخلی گسترده شد. (سردارنیا، ۱۳۹۵: ۱۱۲) در تحلیل بحران سوریه، برخی علت را امتداد جنبش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌دانند. در این نگاه سوریه همانند سایر کشورهای عربی و آفریقایی، گرفتار مشکلات و معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که مردم آن برای رهایی از این مشکلات، دست به اعتراض و مبارزه علیه رژیم بشار اسد زده‌اند. (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۳۳) این نگاه صرفاً متغیرهای داخلی را در تحلیل بحران این کشور در نظر می‌گیرد. اما برخی دیگر از تحلیل‌گران جامعه سوریه را متفاوت از جوامع تونس و مصر دانسته، بافت جامعه سوریه را بیشتر عشیره‌ای و دچار شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی و ترکیب نامتجانس جمعیتی معرفی می‌کنند. از این‌رو، وجود اقوام و طایفه‌های مختلف را ریشه اصلی بحران می‌دانند. (آجرلو، ۱۳۹۰، ۵۹) در تحلیل این دو دیدگاه، باید گفت اگرچه نمی‌توان برای ریشه‌های اقتصادی بحران سوریه درصدی بالایی معین کرد، اما در هر حال نباید از مطالبات اقتصادی معترضان داخلی بشار اسد، چشم‌پوشی نمود. برخی از این مطالبات عبارت‌اند از: بهبود وضعیت معیشتی و رفاه اقتصادی، مبارزه با فساد اقتصادی و رشوه‌خواری، انجام پروژه‌های عمرانی (بشارتی، ۱۳۹۲، ۳۱ - ۳۲)

بنابراین، نمی‌توان در مقابل ریشه‌های اقتصادی بحران در سوریه، بی‌تفاوت بود. از سویی بررسی ریشه‌های اقتصادی بحران سوریه، از مباحث اساسی جامعه سیاسی آن کشور نیز هست. به عبارت دیگر، رفع شکاف‌های اقتصادی، قادر است تا حدود زیادی حیات سیاسی یک نظام را تضمین کند. با این وصف، پرداختن به شکاف‌های اقتصادی، ورود به مباحث سیاسی کشور سوریه نیز می‌باشد. بررسی‌های نظری و تاریخی نشانگر آن است که عدم ایجاد اقتصاد عدالت محور، ارکان اساسی هر جامعه‌ای را متزلزل خواهد کرد. از آنجایی که تا کنون راجع به ریشه‌های اقتصادی بحران سوریه، پژوهش کمتری صورت گرفته، این تحقیق به بررسی علل اقتصادی بحران سوریه پرداخته است.

۲- پیشنهاد پژوهش

در مورد این موضوع، نجات (۱۳۹۵) در کتاب «بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای» علل آغاز بحران داخلی در سوریه از دو بعد داخلی و منطقه‌ای، و افزایش بحران با فراگیری داعش را مورد توجه قرار داده است. سلطانی نژاد و همکاران (۱۳۹۶)، در کتاب «بررسی تحلیل بحران سوریه: زمینه‌ها، بازیگران و چشم‌اندازها»، بحران سوریه و پیچیدگی‌های آن را عرصه بازیگری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌داند که برخی نقش حداکثری و برخی نقش حداقلی داشتند. همچنین زارعان در مقاله «زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا در شماره ۲۳ آفاق امنیت، و مقاله «بررسی ریشه‌ها و ویژگی‌های مشترک بحران‌های خاورمیانه با تأکید بر بحران سوریه و عراق در شماره ۶۱ فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام» و نیز مقاله «موانع تشکیل دولت ملی در سوریه در شماره ۶۲ فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام» آجرلو (۱۳۹۰) در مقاله «تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم‌اندازها»، کریمی و گرشاسبی (۱۳۹۵) در مقاله «ماهیت سیاسی جریان‌های تکفیری سوریه»، میرعلی و محسنی (۱۳۹۶) در مقاله «عوامل شکل‌گیری جریان‌های تکفیری رادیکال در سوریه»، سردارنیا و کیانی (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل بحران سوریه از منظر شکاف‌های اجتماعی»، زمانی محبوب و شیروودی (۱۳۹۸) در مقاله «نقش عوامل ژئوپلیتیکی در بحران نوسازی ۲۰۱۸-۲۰۱۱ سوریه» و نظایر آن، مطالب مرتبطی را با علل شکل‌گیری جریان‌های تکفیری و ایجاد بحران در سوریه نوشته شده است. ولی عمده این کتب و

مقالات به بعد اقتصادی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در بحران سوریه، به شکل مستقل توجه ننموده‌اند. این نوشتار بر آن است در حد توان، نقش عامل اقتصادی بحران در سوریه را بررسی کند. این موضوع نوآوری مقاله حاضر محسوب می‌شود.

۳- چرایی اهمیت بحران سوریه برای ایران

در بحران سوریه، گروه‌های تروریستی با حربه تکفیر و با تأکید بر ضعف‌های اقتصادی و سیاسی، شروع به بحران‌آفرینی در کشور سوریه بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ کردند. بحران‌آفرینی تکفیری‌ها افزون بر تفکرات رادیکال اعتقادی، برآمده از خواست، همراهی و جهت‌دهی دشمنان جبهه مقاومت نیز بوده است؛ به گونه‌ای که همکاری برخی کشورهای جنوب شرق آسیا به‌ویژه عربستان و نیز کشورهای فرامنطقه‌ای به رهبری آمریکا تأثیر بسزایی در تأسیس و رشد تشکیلات داعش داشته‌اند. (رضا خواه، ۱۳۹۲، تارنما www.tasnimnews.com) به همین دلیل وضعیت سوریه تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد. اهمیت این کشور برای ایران، برآمده از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و جایگاه آن در حلقه اصلی محور مقاومت می‌باشد. با این وصف تداوم بحران سوریه به‌عنوان قلب ژئواستراتژیک محور مقاومت، می‌تواند امنیت و جایگاه منطقه‌ای ایران را تضعیف کند. گفتنی است که سوریه تنها متحد راهبردی ایران میان کشورهای عربی است. از سویی این کشور سیاست‌های غرب‌ستیز و نیز ضدیت با رژیم صهیونیستی دارد. این مؤلفه‌ها، به‌طور طبیعی، همسویی راهبردی دو کشور را در پی دارد. از این رو، بحران در هر یک از دو کشور، طرف مقابل را دست کم در سیاست‌های منطقه‌ای، متأثر خواهد کرد. این تأثیرگذاری، نمود کامل در تضعیف گروه‌های مقاومت اسلامی نیز دارد. حاصل آنکه تداوم یافتن بحران سوریه، تضعیف امنیت منطقه‌ای ایران و بالتبع، تضعیف محور مقاومت را به دنبال دارد. بنابراین، منطق سیاست‌ورزی حکم می‌کند که تمام ریشه‌ها و دلایل ظهور و بروز بحران سوریه از جمله ریشه‌های اقتصادی آن مورد بررسی قرار گیرد، تا نتایج حاصل از آن در تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌منظور کمک‌های راهبردی برای رفع این ریشه‌های بحران‌زا، به دولت سوریه داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر جمهوری اسلامی ایران بنابر رویکرد همگرایی خود با کشورهای جبهه مقاومت و همسو با خود، باید سطح قابل

قبولی از تحلیل ریشه‌های بحران به همراه راهکارهای صحیح برای انجام اصلاحات اساسی را به دولت بشار اسد پیشنهاد دهد. بدیهی است چنانچه ریشه‌های بحران در این کشور، به‌درستی شناخته و مرتفع نشود، دیر زمانی نمی‌گذرد که گروه‌های تکفیری سوار بر امواج این مشکلات، کشور سوریه را مجدداً دچار تشنج و تهدید خواهند کرد.

۴- تأثیر اقتصاد ناکارآمد بر شروع بحران

در بیان اهمیت پرداختن به عوامل اقتصادی بحران سوریه باید یادآور شد که بحران‌ها زمانی قابل تحلیل می‌شوند که تمام ریشه‌های آن شناسایی شوند. بر همین اساس، یکی از مهم‌ترین ریشه‌های بحران در کشورهای مختلف، ریشه‌های اقتصادی است؛ چرا که، وابستگی اقتصادی کشورها باعث برانگیختن چالش‌های هویتی در این کشورها و فشار بر نظام سیاسی حاکم، خواهد کرد. (زارعان، ۱۳۹۳، ص ۸۷) بنابراین، در بسیاری از جوامع، محرومیت‌های مادی، شورش و بحران‌های سیاسی را به وجود می‌آورد. در این جوامع معترضان به این نتیجه رسیده‌اند که بنا به دلایل و عواملی، از امکانات موجود یا آنچه مورد انتظارشان است، کمتر از آن چیزی که شایستگی آن را دارند، دریافت می‌کنند. آنان برای دستیابی به حقوق و منافع بیشتر یا تسکین رنج‌های ناشی از محرومیت، به پرخاشگری و خشونت سیاسی متوسل می‌شوند. (نظری، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳) از آنجایی که کشور سوریه هم از این قاعده استثناء نمی‌شود، ضروری است قبل از شناسایی عوامل مؤثر بر بحران سوریه، تحلیلی پیرامون تأثیر اقتصاد ناکارآمد بر شروع بحران ارائه شود. بعد از وقوع بیداری اسلامی در کشورهای عربی، فرصتی برای تجلی یافتن نارضایتی‌های اقتصادی اقشار فقیر، به طور عمده سنی مذهب، در کشور سوریه فراهم آمد. مشارکت سنی‌های فقیر و غیر تکفیری در بحران سوریه، اغلب، واکنشی با ماهیت اقتصادی و هویت بنیادی بود. این در حالی بود که علویان و مسیحیان، موقعیت اقتصادی بهتری داشتند و به همین دلیل، مسیحیان، خیلی زود از مشارکت در اعتراض‌ها دست کشیدند.

اما وجود محرومیت‌های اقتصادی و فقر در سنی‌های فقیر، زمینه‌ساز اعتراض و تنش اجتماعی شد. از آنجا که در کشورهای غیر دموکراتیک راه‌های مسالمت‌آمیز برای ابراز مخالفت مسدود است، افراد راهی غیر از روش‌های ستیزه‌جویانه برای خود ممکن نمی‌دانند. کم‌کم مشکلات

فراگیر اقتصادی و بی توجه به خواسته‌های مردم فقیر، منجر به ایجاد تلقی حکومت ناکارآمد، و ازدست دادن مشروعیت حکومت نزد اقشاری از مردم جامعه سوریه گردید. لذا می‌توان ادعا کرد شکل‌گیری اعتراضات سراسری در کشور سوریه، فرصتی برای ابراز نارضایتی‌های اقتصادی اقشار فقیر فراهم کرد. (رکنی لموکی، ۱۴۰۰، ص ۸۱) در این میان بسیاری از افراد معترض اقدام مسلحانه را بهترین و سریع‌ترین راهکار اصلاح شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تلقی کرده، به گروه‌های تکفیری پیوستند. (فرمانیان، ۱۳۹۵، ص ۱۸) حاصل آنکه اگرچه اقتصاد ناکارآمد سوریه تمام علت شروع بحران در این کشور نبود، اما در هر حال نمی‌توان از تأثیر عوامل اقتصادی بر این بحران، چشم‌پوشی کرد.

۵- عوامل مؤثر بر اقتصاد سوریه

۵- ۱. سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد

کشور سوریه با ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع مساحت (Fisher, 2011, p1051) و ۲۲۵۳۰۷۴۶ نفر جمعیت در سال ۲۰۱۲ (صفوی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۵) یعنی سال‌های شروع بحران، جزء کشورهای جوان شناخته می‌شد؛ چرا که بیش از هفتاد درصد جمعیت این کشور کمتر از سی سال سن داشتند. (امینی، ۱۳۹۱، ص ۲۲) عواملی همچون جوان بودن و نرخ بالای رشد جمعیت، داشتن ۱۸۳ کیلومتر مرز ساحلی در کنار دریای مدیترانه که این کشور را پل ارتباطی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار داده است و آن را به یکی از مراکز مهم انرژی به کشورهای غربی تبدیل کرده است (سعیدی، ۱۳۷۴، ص ۱۳) و باعث شده تا از سوی جامعه سوریه، انتظار بهبود وضعیت اقتصادی تضاید گردد.

اما در عمل سوریه از لحاظ اقتصادی در رده کشورهای فقیر جهان بوده است. در دوران حافظ اسد با اجرای الگوی اقتصاد آزاد، فضای محدودی در اختیار بخش خصوصی قرار گرفت. پس از آن برای حل بحران ارز خارجی، برنامه‌های ریاضت اقتصادی در پیش گرفته شد و هزینه‌های عمومی کاهش یافت. از آن طرف دولت فعالانه بخش خصوصی را تشویق کرد تا در توسعه اقتصادی نقشی مرکزی به عهده گیرد، اما این برنامه‌ها در اقتصاد سوریه موفق آمیز نبود و شکست خورد.

اجرای الگوی اقتصاد آزاد در دوران حافظ اسد نه تنها منجر به توسعه اقتصادی فراگیر در سوریه نشد، بلکه عامل ایجاد فاصله طبقاتی و محرومیت و بیکاری در بین طبقه کارگر و کشاورز در شهر و روستا گردید. به گفته برنامه عمران ملل متحد در سال ۲۰۰۵، ادامه این سیاست در دوران بشار موجب شد تا نرخ فقر در مناطق سنی نشین چهار برابر بیشتر از نواحی ساحلی باشد. (سردارنیا، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳)

با این وصف، واقعیت آن است که وضعیت اقتصاد سوریه پیش از آغاز جنگ مناسب نبود؛ بر اساس شاخص مجموع تولید در سال ۲۰۰۹، سوریه در رتبه ۱۲۲ جهان قرار داشت؛ لذا اقتصاد این کشور جزو اقتصادهای عقب مانده به شمار می‌رفت. همین مشکلات اقتصادی نقش مهمی در شعله‌ور شدن آتش جنگ در سوریه داشت. (شاهسونی، ۱۳۹۶، تارنما www.parstoday.com)

روستائیان و قشر ضعیف شهری که اکثرا از اهل تسنن می‌باشند نه تنها از موقعیت اقتصادی بهتری بهره‌مند نگردیدند، بلکه برخی از کارگران با تغییرات اقتصاد به وجود آمده بیکار شدند و قدرت اتحادیه‌های کشاورزان و کارگران رو به تضعیف نهاد. در واقع پیاده‌سازی سیستم اقتصادی بازار آزاد در سوریه به نوعی ایجاد محرومیت و یا عدم پیشرفت را برای طبقه کشاورز و کارگر به وجود آورده بود. این سیاست‌ها در دوران بشار اسد از سال ۲۰۰۰ به این طرف هم ادامه یافتند. برنامه عمران ملل متحد در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد که مناطق شهری و روستایی شمال شرق سوریه ادلب، حلب، الرقه، دیرالزور و حسکه، دارای بیشترین فقر بوده‌اند. نرخ فقر در مناطق شمال شرق، چهار برابر بیشتر از نواحی ساحلی است.

در سال ۲۰۰۵، در جریان دهمین کنگره منطقه‌ای حزب بعث، اقتصاد بازار آزاد سوسیالیستی به‌عنوان مدل اقتصادی جدید سوریه معرفی شد. قیمت‌ها به‌طور وسیعی آزادسازی شدند، تجارت و سیستم مبادله نرخ ارز ساده‌سازی و آزاد شدند. بشار اسد برای بهبود وضعیت اقتصادی در بخش‌هایی چون کشاورزی، نفت، بانکداری، تجارت و سرمایه‌گذاری تلاش‌هایی صورت داد که در برخی از آنها پیشرفت‌هایی حاصل آمد. برای مثال بخش کشاورزی با وجود رشد خوبی که داشت، ولی دریافتی کشاورزان و کارگران ترقی نیافت و به عبارتی کمترین حقوق و مزایا را در قیاس با سایر بخش‌ها دریافت می‌نمودند. بر اثر گذشت زمان مشکلات معیشتی کارگران بیشتر می‌شد. به‌طوریکه در سال ۲۰۰۹ بیکاری به ۲۰ درصد رسید و بیش از سه و نیم میلیون نفر در

سوریه فاقد درآمد بودند. عدم تحقق روش‌های اقتصادی در دوره بشار اسد، نبود شفافیت در سیستم اقتصادی سوریه و دخالت و کنترل دولت بر بخش‌های مختلف تجاری و وجود رانت اقتصادی برای برخی از نزدیکان و طرفداران دولت باعث محروم شدن تعداد زیاد از مردم از رفاه اقتصادی گردید.

هرچند دولت سوریه اقدامات بسیار خوبی، مانند رونق کشاورزی و صنعت گسترش راه آهن، مدرسه، بیمارستان و ... برای اصلاح وضع اقتصادی کشور انجام می‌داد، اما یکی از مهم‌ترین تهدیدات سوریه، سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد بود که باعث اعتراض عمومی و قرار گرفتن گروهی از مردم در صف مخالفان شد؛ چنان که عمده گرایش به گروه‌های سلفی تکفیری، در حومه شهرها و مناطق محروم، مثل رقه و مناطق مرزی که بیشتر دامن گیر فقرند، صورت گرفته است. طبق مصاحبه با سوری‌ها، بسیاری از نیروهای ارتش آزاد سوری‌هایی‌اند که برای پول جذب آنها شده‌اند. از همین روی، مشاهده می‌کنیم راهبرد بسیج عمومی و پرداخت مختصر حقوق به آنها، باعث گرایش بخش قابل توجهی از مردم به این کمیته‌های مردمی شده است. واقعیت این است که خدمات در سوریه، نامناسب بود و بخش بزرگی از جامعه سوریه، از اقتصاد نامتعادل و خدمات ابتدایی کشور خود در مقایسه با همسایگان - که دارای آزادی سیاسی بیشتر و اوضاع اجتماعی و اقتصادی بهتری بودند - گلایه داشتند و خواستار اقدامات اساسی در این زمینه بودند؛ از این رو، پشتیبان نظام حاکم نشدند؛ و اگرچه همه آنها در مبارزه با حکومت بشار اسد، با معارضین مسلح همراه نشدند و خود دست به سلاح نبردند، اما در برابر آنها مقاومت نیز نکردند. (زمانی، ۱۳۹۶، ص ۲۷۷) زیرا ناکارآمدی دولت، باعث آن می‌شود که جامعه به حال خود رها شده، فاقد نشاط سیاسی و ملی شوند. (میرعلی، ۱۳۹۶، ص ۹-۱۱)

نکته دیگر آنکه وجود اندیشه‌های نیرومند محلی گرامی‌باشد که در اقتصاد سوریه تاثیرگذار بودند. در کشور سوریه ۱۲ مرکز محلی وجود داشته است که هر کدام از آنها از یک پایگاه سنتی خودکفایی کشاورزی یا صنعتی برخوردار بوده‌اند. این عامل وحدت سیاست‌های اقتصادی کشور را بر هم می‌زده است تا جایی که هر کدام از این مراکز ۱۲ گانه محلی، احساس نوعی خودمختاری داشته‌اند که این احساس در زمان بحران بروز و ظهور کرده، باعث عدم همراهی با دولت می‌شده است. (زمانی محجوب، ۱۳۹۶، ص ۸۱)

۵-۲. تبعیض اقتصادی

۵-۲-۱. تبعیض بر اساس عامل مذهبی

با به قدرت رسیدن حافظ اسد، توازن قدرت به سمت مذهب علوی بهم خورد و علویون صاحب بیشترین قدرت در سیاست، ارتش، حزب بعث و اقتصاد کشور سوریه شدند. (رکنی لموکی، ۱۴۰۰، ص ۸۶ و ۸۷) علویان در طول تاریخ در سرزمین سوریه زیر سلطه و مورد بی‌مهری حاکمان سنی مذهب بودند و به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در شرایط بدی قرار داشتند (برزین، ۱۳۶۵، ص ۱۱۴ و ۱۱۵) اما از دوران استقلال سوریه در سال ۱۹۴۷ تغییر وضعیت یافتند و به‌ویژه از دوران حکومت حافظ اسد (۱۹۷۱-۲۰۰۰ م) در ساختار حکومت و ارتش نفوذ پیدا کردند و موقعیت رفاهی و تمکن اقتصادی آنان به یکباره بالا رفت. (troudi, 2006, p 120 - 124)

علویان که غالباً در غرب سوریه و پایتخت ساکنند، ۱۲ درصد از کل جمعیت سوریه را تشکیل می‌دادند. در حالی که اهل سنت سوریه با جمعیت حدود هفده میلیونی (قبل از بحران)، در همه استان‌های سوریه به جز طرطوس، لاذقیه و سویداء در اکثریت بودند. (رکنی لموکی، ۱۴۰۰، ص ۵۰)

ایجاد موقعیت‌های اقتصادی براساس اقلیت مذهبی، و فراموشی وضعیت اقتصادی برای اکثریت مذهبی، عامل مهم تنش‌زا بود که به طور طبیعی مؤثر در ایجاد بحران شد. سعدالله زارعی کارشناس منطقه غرب آسیا در مورد این مسئله اظهار می‌دارد: «سوری‌ها به علت سابقه سال‌ها پایتختی امپراطوری در سرزمینشان، دارای غروری هستند که خود را قله جهان اسلام می‌دانند و شخصیتی سطح بالا در برخورد، دارند. آنها با این خصوصیات که روزی مرکز قدرت بودند، حالا با چنین وضع اقتصادی و حکومتی، و چنین جایگاه عربی و اسلامی، حس عقب افتادن کردند. لذا وقتی پرچم اعتراضی بلند شد اظهار شد که ما قرار است شما را به آن جایگاه برگردانیم.» (زارعی، سعدالله، ۱۳۹۸، مصاحبه حضوری)

۵-۲-۲. تبعیض بر اساس عامل قومی

یکی دیگر از مصداق‌های تبعیض اقتصادی در سوریه، تبعیض بر اساس عامل قومی می‌باشد. بافت اجتماعی این کشور از اقوام مختلف تشکیل شده است. بر این اساس تبعیض‌های قومیتی،

به طور طبیعی باعث تعارضات اجتماعی و فرهنگی قومیت‌های مورد تبعیض قرار گرفته می‌شود که نتیجه آن رویارویی با نظام و دولت است.

از نظر سعدالدین ابراهیم «استاد جامعه‌شناسی دانشگاه قاهره و رئیس مؤسسه مطالعاتی توسعه ابن خلدون» این عوامل نقش اساسی در درگیری‌های جوامع منطقه غرب آسیا و منازعات قومی داشته است. کشورهای عربی منطقه جنوب غرب آسیا با داشتن ۸ درصد جمعیت جهان، از سال ۱۹۴۵ بدین سو شاهد بیست و پنج درصد پیکارهای مسلحانه دنیا بوده است. بسیاری از این جنگ‌ها ریشه در پیکارهای قومی داشته‌اند. (موریس و آر کدی، ۱۳۸۸: ۱۷۷)

کشور سوریه در شاکله جمعیتی خود، دارای گروه‌های قومی و نژادی گوناگون می‌باشد. اعراب سوریه ساکن در مرکز، غرب و جنوب هستند که مورد حمایت دولت بوده، بیشترین رانت اقتصادی را در میان سایر اقوام دارند. (رکنی لموکی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۱) قوم کرد بعد از اعراب، با جمعیت ۹ درصدی از جمعیت سوریه، بزرگترین اقلیت قومی این کشور می‌باشد. کردها غالباً ساکن مناطق شمال شرقی، شمال حلب و حی‌الاکراد دمشق هستند. آنها در مناطق خود دارای منابع نفتی، معدنی و کشاورزی غنی می‌باشند. (همان) کردهای سوریه پس از استقلال سوریه و روی کار آمدن ناسیونالیست عربی، دچار اختلافات عمیقی تری با اعراب سوریه شدند. در زمان حافظ اسد مقابله با کردها به عنوان تهدیدی برای قدرت مرکزی ادامه یافت. مصادره شدن زمین‌های کشاورزی و لغو اجباری تابعیت، شرایط زندگی را برای کردها سخت‌تر کرد. با عدم انجام وعده‌های اصلاحاتی بشمار اسد، شکاف اجتماعی قومی و متراکم شده در طول تاریخ، عمیق‌تر، و به تخصم و شکل‌گیری گروه‌های رادیکال قومی گروید. (Jamal, 2004) کردها اگرچه در ادامه بحران اخیر سوریه، به دلیل شرایط خاص، عملاً وارد مصالحه با دولت مرکزی شدند، اما از آنجایی که قوم خود را مورد تبعیض قرار گرفته می‌دانند، همواره به عنوان یک تهدید قومیتی، در سوریه مطرح هستند. (دهقان و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۴-۷۴)

ترکمن‌ها سومین قوم سوریه هستند. این قوم در شهرهای حلب، لاذقیه، ادلب، جولان و دمشق ساکنند. ترکمن‌ها همانند کردها دهه‌ها تحت تأثیر ناسیونالیسم عربی از بسیاری از حقوق محروم بودند. آنها با نتیجه نرسیدن مبارزه با دولت اسد در بحران سوریه، که با حمایت ترکیه در پی آن

بودند، راه ثبات و صلح، و کسب حقوق تضییع شده را پی گرفتند. (رکنی لموکی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۴-۷۳)

ارامنه سوریه نیز از اقوامی هستند که تحت تأثیر اوج گیری ناسیونالیسم عربی قرار گرفته، فشارهای حاصل از تبعیض‌های قومیتی را متحمل شدند. (همان، ۷۵-۷۴) چرخش‌ها که از اقوام قفقازی می‌باشند و نیز آشوریان و آرامی‌ها از دیگر اقوام سوری‌اند که تحت تأثیر سیاست‌های پان عربی در سوریه، مورد تبعیض بوده‌اند. (زمانی محجوب، ۱۳۹۶، ص ۷۶ و ۸۲) همه اقوامی که از آنها یاد شد، به جز اعراب، از آنجایی که در ذهن خود سابقه تبعیض‌های قومیتی داشتند، هنگام بروز بحران و جنگ، یا در صف دشمن قرار گرفتند یا دست کم، دولت مرکزی را در مهار گروه‌های تکفیری به طور شایسته، یاری نرساندند.

۵-۲-۳- تبعیض بر اساس عامل سیاسی

اقتصاد سوریه به عنوان یک اقتصاد دولتی شناخته می‌شود. فقدان منابع مالی نیرومند و زیرساخت‌های لازم در بخش خصوصی و نیز دخالت دولت در اقتصاد باعث شده تا این کشور با وضعیت مطلوب اقتصادی روبه‌رو نباشد. در این میان تبعیض‌های سیاسی که خود عامل فسادهای اقتصادی می‌شود، در بسیاری از قسمت‌های ساختار نظام سوریه ریشه‌دار شده بود. در حکومت سوریه، علوی‌ها و بخشی از بازرگانان و صاحبان صنایع سنی‌مذهب وابسته به نظام از رانت‌های حمایتی دولت بهره می‌برند و فساد اقتصادی در میان آنها به چشم می‌خورد. این وضعیت، شکاف طبقاتی را در جامعه ایجاد کرد؛ به گونه‌ای که در شرایطی که گروهی از مردم در شرایط تنگدستی زندگی می‌کنند، طبقه‌ای از نخبگان سیاسی و اقتصادی وابسته، از رانت‌های حکومتی بهره برده، از شرایط مرفه‌ای برخوردار بودند.

کاپلان^۱ معتقد است گرچه موجی کوتاه از اصلاحات در جریان بهار دمشق صورت پذیرفت، اما به واسطه تنش‌های فرقه‌ای و روند گند پیشرفت در آزادی‌های مدنی، به تدریج رو به ضعف نهاد. بشار اسد، برخی اصلاحات را انجام داد؛ اما آهنگ کلی اصلاحات، آهسته و تدریجی بود. بوروکراسی یکپارچه، انحصارهای اقتصادی و عدم تمایل اسد، اجرای برنامه‌های اصلاحی

نظریه پرداز مشهور روابط بین‌الملل: Morton Kaplan¹

گسترده‌تر را می‌ساخت. (Kaplan، 2008) گسترش و فراگیری فساد در سطوح مختلف سوریه به گونه‌ای بوده است که در جریان اعتراضات سال ۲۰۱۱ نیز یکی از مطالبات معترضان در کنار مطالبات سیاسی، رفع فساد بود.

در گسترش تبعیض‌های اقتصادی، عملکرد حزب بعث، بسیار چشم گیر است. حزب بعث بعد از به قدرت رسیدن، اقدامات یک‌جانبه‌گرایانه‌ای در سطح جامعه سوریه انجام داد. آنها هر چند شعار «امه عربیه واحده ذات رساله خالده» یعنی «امت عربی یکپارچه با رسالتی جاویدان، وحدت عربی» را مطرح می‌کردند ولی در واقعیت از این آرمان خبری نبود. اکثر مناصب کلیدی کشور در دست حزب بعث قرار گرفت. فساد سیستمی موجود در ارکان حزب و بدنه دولت مرکزی که منجر به ایجاد رانت و انحصاری‌های اقتصادی، و شکاف طبقاتی شده بود، میزان نارضایتی از این حزب و عملکردش را دوجندان می‌کرد؛ لذا مبارزه با این حزب و دیدگاه‌هایش زمینه‌ای برای پذیرش عمومی گروه‌های افراطی اسلام‌گرا فراهم کرد. (خلیلی، ۱۳۹۸، تارنما <https://shouba.ir>)

وضعیت سوریه در شروع بحران، از منظر علل داخلی، گویای بحران عدم مشارکت سیاسی به دلیل احساس تبعیض داشت. قدرت در سوریه در دستان رئیس‌جمهور، خاندان اسد، حزب بعث و تعدادی از دستیاران رئیس‌جمهور، متمرکز بود. بسیاری از مردم این افراد را در واقع نگهداران نظام تک‌حزبی بعثی در سوریه در دهه‌های گذشته می‌دانستند. نظامی که معترضان طرفدار دموکراسی و همچنین گروه‌های داخلی بارها آن را به چالش کشیدند. وضعیت به گونه‌ای بود که تنها راه به دست گرفتن قدرت و رسیدن به پست‌های اداری و سیاسی، عضویت در حزب بعث بود. در غیر این صورت هیچ راهی برای پیشرفت افراد هر چند لایق و تحصیل کرده وجود نداشت. (جمشیدی، ۱۳۹۶، ص ۴۲)

بنابراین، اصلاح نظام سوریه از گذر اصلاح حزب بعث به دست می‌آید و اصلاح فساد در حزب بعث وقتی میسر می‌شود که همه ارکان حزب بعث در این موضوع درگیر شوند؛ زیرا کنترل و نظارت فعلی، به دلایلی از قبیل جایگزین کردن اهداف سیاسی به جای اهداف اجتماعی با سطوح ناکارآمد فعالیت بوروکراتیک روبروست. (زاهدی، ۱۳۸۸، ص ۴۱)

۵-۳- تضعیف اقتصادی سوریه از سوی کشورهای متخاصم

یکی دیگر از مسائل مهم در حوزه اقتصاد سوریه، تضعیف اقتصادی سوریه از طرف کشورهای مخالف جبهه مقاومت بود. این کشورها در مجموع سعی می‌کردند نظام سوریه را به انزوا کشانده آن را از عرصه تعاملات بین‌المللی دور سازند که این امر موجب تضعیف اقتصادی سوریه نیز گردید. از جمله اقدامات آنها افزون بر تحریم، فعال‌سازی شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب برای فشار علیه بشار اسد؛ کمک مالی، تسلیحاتی و لجستیکی به معارضان سوری در خارج و داخل این کشور؛ همکاری و هماهنگی با محورهای منطقه‌ای (ترکیه، قطر و رژیم صهیونیستی) و محور بین‌المللی (آمریکا، فرانسه و انگلیس) برای تضعیف و حتی براندازی نظام سوریه؛ تلاش برای تقویت جریان سلفی و رادیکالیسم در سوریه؛ فعال‌سازی رسانه‌های گروهی خود مانند العربیه و نشریاتی مانند الشرق الاوسط و الحیاء برای تحریک افکار عمومی دنیا علیه دولت سوریه می‌باشد. (صادقی، ص ۱۱۵ و ۱۱۶) کارشناسان مسائل منطقه جنوب شرق آسیا اتفاق نظر دارند که کشورهای حوزه خلیج فارس، نقش عمده‌ای در تأمین منابع مالی گروه‌های تکفیری و تضعیف نظام سوریه داشته‌اند. (محررق، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵) رسانه‌های این کشورها نیز نقش رسانه‌ای تضعیف همه جانبه بر علیه دولت سوریه را بازی می‌کردند. (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱ و ۱۴۲) در هر حال مقابله سوریه با سیاست‌های آمریکا در منطقه به‌ویژه مخالفت دولت بشار اسد با عملکردهای تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی و کمک به جبهه مقاومت، علت اصلی ایجاد مشکلات در ساختار اقتصادی سوریه، توسط دولت‌های متخاصم بود. (رکنی لموکی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۷)

در این میان تحریم کشورهای متخاصم نقش برجسته‌تری در تضعیف اقتصاد سوریه داشته است. غرب به سرکردگی آمریکا، که چندین دهه از سیاست‌های سوریه در قبال مخالفت با رژیم صهیونیستی، حمایت از ایران در جنگ مقابل عراق، پشتیبانی از حزب الله لبنان و عدم همراهی با سایر سیاست‌های منطقه‌ای خشمگین بود از سال ۱۹۷۹ تحریم‌های خود علیه سوریه را آغاز نمود. این تحریم‌ها با عنوان «دولت حامی تروریسم (SST)» توسط آمریکایی‌ها علیه سوریه شروع شد و در سال ۲۰۰۴ در پی فعالیت‌های سوریه در لبنان و برنامه به اصطلاح سلاح‌های کشتار جمعی سوریه «قانون پاسخگویی به سوریه (SAA)» افزایش یافت. تحریم‌هایی که در سال‌های ابتدایی (۱۹۷۹)، محدودیت‌هایی در کمک‌نهادهای مالی بین‌المللی به سوریه، تحریم تسلیحاتی و

تحریم‌های هدفمند علیه مقامات و نهادهای سوری بود، در سال‌های بعد (۲۰۰۴) دامنه گسترده‌تری پیدا کرد. برخی از این تحریم‌ها عبارت‌اند از: ممنوعیت صادرات بیشتر کالاهای آمریکایی به سوریه (به استثنای غذا و دارو)، ممنوعیت واردات نفت سوریه و تجارت و معامله با نفت سوریه، منع پرواز شرکت‌های هواپیمایی سوریه به ایالات متحده، ممنوعیت صادرات مجدد کالاهایی با منشاء آمریکا به سوریه از طریق کشور ثالث، محدودیت‌های مالی و سرمایه‌گذاری، حمل و نقل، بیمه، خدمات فناوری اطلاعات و... (شورای امور بین‌الملل روسیه، ۲۰۲۰) در سال ۲۰۱۱ اروپا نیز آمریکا را در پی ریزی و اعمال تحریم‌های گسترده‌تر تحت عنوان «مبارزه با سلاح‌های شیمیایی، نقض حقوق بشر و سرکوب سیاسی» برای فشار بیشتر به دولت و مردم سوریه در جهت عدول از سیاست‌های مستقل منطقه‌ای این کشور، همراهی نمود (شورای امور بین‌الملل روسیه، ۲۰۲۰) تحریم‌هایی که اقتصاد مردم را به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت شعاع قرار می‌داد و این بستر اقتصاد ضعیف یکی از مهمترین بهانه‌ها و حربه‌ها برای مجاب کردن مردم در همراه شدن با گروه‌های تکفیری را فراهم می‌کرد.

۵ - ۴ - مشکلات اقتصادی مبادی ورودی تروریست‌ها به سوریه

یکی دیگر عوامل مؤثر بر بحران سوریه که مرتبط با مسائل اقتصادی می‌باشد، تحریم‌های غرب بر ضد روسیه می‌باشد. این تحریم‌ها باعث کساد بازار تجاری روسیه شد و به‌طور طبیعی در کشورهایی که با روسیه همکاری تجاری داشتند، اثرگذار بود. (امامی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶ و ۱۸۷) از سویی تحریم‌های غرب، مهاجران کار به روسیه را نیز جذب گروه‌های تروریست تکفیری کرده، باعث تشدید بحران شد. توضیح آنکه با نگاهی به آمارهای فقر در کشورهای آسیای مرکزی، نشان می‌دهد؛ در تاجیکستان ۸۵ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کردند. در قرقیزستان، به‌ویژه ساکنان جنوب این کشور اغلب بیکارند و بنابر آمار «سازمان بین‌المللی کار» در سال ۲۰۱۴، میزان بیکاری در تاجیکستان ۸ درصد، ازبکستان ۱۰ درصد، قرقیزستان ۸ و قزاقستان ۵ درصد بوده است. (مرادی، ۱۳۹۷، ص ۸) تا پیش از تحریم روسیه، تعداد بسیاری از جوانان جویای کار از کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان که بیش از یک‌چهارم جمعیت زیر خط فقر داشتند، به روسیه می‌رفتند و صاحب درآمد می‌شدند. اما با شروع تحریم و

تعطیلی بازار کار روسیه، این جمعیت جویای کار، برای کسب درآمد به گروه‌های تکفیری در سوریه پیوستند. مردم این کشورها قرار گرفتن در کنار گروه‌های تروریستی با تعیین حقوق ثابت را فرصتی برای کسب درآمد و فرار از تنگنای اقتصادی یافتند. در واقع فقر مالی مردمان آسیای مرکزی نتیجه توزیع نامناسب ثروت و همچنین شرایط نامساعد مهاجران کاری شاغل در روسیه به واسطه برخی تحولات منطقه‌ای از جمله تحریم‌های غرب ضد روسیه بود. این امر به عامل مهمی برای جذب جوانان آسیای مرکزی از سوی گروه ترورمند تروریستی داعش تبدیل شده بر بحران سوریه افزود. (صدرالحسینی، ۱۳۹۵، ص ۳۰۲ و ۳۰۳)

۵ - ۵- نقش وعده‌های اقتصادی تکفیری‌ها در گسترش بحران

تکفیری‌ها با وعده برقراری خلافت و ایجاد جامعه‌ای مطلوب و آرمان شهر اسلامی، شرایط زیبایی از زندگی تحت خلافت شان بازنمایی می‌کردند که بر پایه آن، اشخاص می‌توانند به مزایا و امکاناتی فراوان از جمله هویت، زندگی مرفه، پست و مقام دست یابند. همچنین تکفیری‌ها با اقداماتی مانند: توزیع نان رایگان، خدمات رایگان پزشکی و بهداشتی، پرداخت یارانه به کشاورزان، تأمین امنیت قبیله‌ها و توزیع منابع میان آنها، برقراری اردوگاه‌های رفاه اجتماعی و خدمات عمومی و... هوشمندانه به دنبال جلب رضایت مردم و جذب آنها، و کارآمد نشان دادن خود در جایگزینی به‌جای دولت بودند. (کریمی و گرشاسبی، ۱۳۹۵، ص ۸۷ - ۸۸) افراد بی‌شمار از آن بخش از مردم فقیر کشور سوریه و سایر کشورها که دچار تنگنا اقتصادی بودند، آنگاه که این وعده‌ها و عملکرد ظاهری را می‌شنیدند و می‌دیدند، جذب گروه‌های تکفیری شده، بر بحران سوریه می‌افزودند.

۵ - ۶- نقش عملکرد اقتصادی تکفیری‌ها در گسترش بحران

با شروع بحران در سوریه، عملکرد سودجویانه اقتصادی گروه‌های تکفیری، خود یکی از عوامل گسترش این بحران از نگاه اقتصادی بود. جریان‌های تکفیری برای بقا و استمرار حضور خود در سوریه، افزون بر کمک‌های پیدا و پنهان کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مخالف دولت بشار اسد، برای کسب درآمد، دست به غارت منابع ملی این کشور از جمله نفت می‌زدند. عبدالباری عطوان در کتاب خود چنین می‌نویسد:

تا زمان نگارش این کتاب {در سه سال اول حضور} تشکیلات داعش، یازده میدان نفتی را در سوریه و عراق در اختیار دارد. فروش نفت عمدتاً توسط همان شبکه‌های قدیمی تجارت قاچاق صورت می‌گیرد و {این به جایی رسید که بعداً} تمام میادین نفتی اصلی سوریه از جمله میدان نفتی العمر را تحت سلطه خود در آورد. این میدان به تنهایی روزی ۷۵/۰۰۰ بشکه نفت تولید می‌کند. طبق برخی برآوردها تشکیلات داعش در مجموع روزانه پنجاه هزار بشکه در سوریه و سی هزار بشکه در عراق تولید و با قیمت بسیار نازل بین ۲۵ تا ۶۰ دلار به فروش می‌رساند. (عطوان، ۱۳۹۵، ص ۱۸)

بر اساس برآوردها، ارزش معاملات سرقت و قاچاق نفت توسط تکفیری‌های سوریه بعضی اوقات به ۳ میلیون دلار در روز هم می‌رسیده است. اگرچه درآمدهای نامشروع نفتی، برای تأمین مالی تروریستی‌ها کافی نبود، با وجود آن، از این پول برای گسترش جریان تکفیری از جمله حقوق نیروهای تروریست استفاده می‌شد که خود عاملی برای جذب بیشتر افراد بود. (برگرفته از تارنما، ۱۳۹۳، www.snn.ir)

اقزون بر سرقت منابع نفتی سوریه توسط تکفیری‌ها، سرقت اموال عمومی و خصوصی از دیگر پیامدهای مالی این جریان‌ها می‌باشد. آنان پس از تسلط بر مناطق تحت اشغال و کشتار مردم، نخستین اقدامی که انجام می‌دادند سرقت طلا، پول، اموال دولتی و شخصی و چپاول بانک‌ها بود. رامی عبدالرحمان، رئیس دیده‌بان حقوق بشر سوریه در این باره می‌گوید گروهک‌های تروریستی ۴۰ تن طلا از ملت سوریه و عراق به سرقت برده‌اند. (برگرفته از تارنما، ۱۳۹۸، www.tasnimnews.com)

مجموع عملکرد اقتصادی گروه‌های تکفیری نظام سوریه را دچار مشکلات اقتصادی عدیده‌ای کرد. (شاهسونی، ۱۳۹۶، تارنما www.parstoday.com) از جمله این مشکلات کاهش حجم سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش تولید و افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید مردم، کاهش رونق تجارت و افزایش تورم و نقدینگی می‌باشد. افزون بر آن با کاهش شاخص حاکمیتی نظام سوریه، بانک‌ها و صندوق‌های بین‌المللی پول از دادن وام و تسهیلات به کشور سوریه خودداری کردند. (زیبایی، ۱۳۹۷، ص ۵۸)

۵ - ۷ - خشکسالی

در طول یک دهه پیش از آغاز بحران در سوریه، خطا در حوزه تصمیم‌گیری نسبت به بخش کشاورزی و همچنین خشکسالی گسترده، مشکلات فراوانی را برای مردم و دولت سوریه ایجاد نمود. از یک سو دولت با تشویق فن‌های ناکارآمد آبیاری، کشاورزان را به سمت مصرف بی‌رویه ابهای زیرزمینی سوق داد به نحوی که شمار چاه‌های آب حفر شده در این کشور بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ از ۱۳۰ هزار حلقه به ۲۰۱۳ هزار حلقه افزایش یافت و کاهش سطح آب‌های زیر زمینی را در پی داشت (Serra-2015) و نیز دولت با سیاست آزاد اقتصادی یارانه‌های حمایتی خود در خیلی از بخش‌ها از جمله بخش کشاورزی (مانند سوخت و کود) حذف نمود و منجر به بالا رفتن قیمت بسیاری از محصولات زندگی روزمره مردم و شکل‌گیری نارضایتی در عموم مردم علی‌الخصوص کشاورزان که عمده قشر فقیر جامعه را تشکیل می‌دادند شد. (Daher, 2018)

از طرف دیگر بروز خشکسالی بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ که یکی از سخت‌ترین خشکسالی در سده‌های اخیر می‌بود، زمین‌های کشاورزی و محصولات در سوریه را به بدترین سطح نابودی می‌کشاند. (دهقان و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۷) گاری نهبان، اکولوژیست معروف، در مقاله‌ای که در ژانویه ۲۰۱۰ منتشر کرد این پدیده را بدترین خشکسالی چند قرن اخیر توصیف کرده است. سازمان ملی اقیانوسی و جوی آمریکا در تحقیقی در سال ۲۰۱۱ در فصلنامه اقلیم با ارائه مستندات متعدد این خشکسالی را با تغییرات اقلیمی مرتبط دانست. (Nasser, 2013: 18) در تصویر زیر میزان بارش باران در دوره زمستانی از ۱۹۰۲ تا ۲۰۱۰ نشان داده شده است.

شکل ۱. میزان بارش باران در دوره زمستانی از ۱۹۰۲ تا ۲۰۱۰ - منبع: (Hoerling et al. 2012)

گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد غذا گزارش می‌دهد بر اثر خشکسالی ۸۰۰ هزار سوری به طور کامل امکان تأمین معیشت خود را از دست داده‌اند و حدود یک میلیون نفر هم در ناامنی غذایی به سر می‌برند. گله‌داران سوریه ۸۵ درصد احشام خود را از دست داده‌اند که این موضوع اقتصاد و زندگی ۱/۳ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین برآورد کرده است خشکسالی و قحطی بین ۲ تا ۳ میلیون نفر در سوریه را به فقر شدید سوق داده است (Gleick, 2014: 334)

نابودی محصولات کشاورزی و از بین رفتن احشام موج عظیمی از مهاجرت از روستاها به شهرها به وجود آورد. به نحوی که بر اساس گزارش موسسه صندوق کمک برای صلح، سوریه در سال ۲۰۰۶ در شاخص جابجایی جمعیت با امتیاز ۷ در رتبه ۶۰ جهانی قرار داشت، ولی طی ۵ سال خشکسالی در سال ۲۰۱۱ با امتیاز ۵/۶ به رتبه ۱۱۵ سقوط کرد. علاوه بر خشکسالی، ساختن سدهای متعدد در بالادست رودخانه دجله توسط ترکیه در دهه‌های اخیر بر مشکلات حوزه آب و کشاورزی سوریه شدت بیشتری بخشید. همچنین در سال ۲۰۰۹ میزان بارش باران نسبت به سال ۲۰۰۵، بیش از ۳۵ درصد کاهش یافت. (دهقان و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۸ - ۵۷)

بسیاری از محققان و صاحب‌نظران با تکیه بر شواهد گوناگون، وجود رابطه میان تغییرات اقلیمی و بروز نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی را تأیید می‌کنند. در همین ارتباط برای مثال ویلیام پولت مشاور سابق وزارت امور خارجه آمریکا در مقاله تأیید می‌کند جنگ داخلی در سوریه از سال ۲۰۰۶ آغاز شد. زمانی که تغییرات اقلیمی خشکسالی گسترده‌ای را به سوریه تحمیل کرد. (دهقان و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۸) همچنین مجله نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۴ در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط خشکسالی با اعتراض‌ها در سوریه» که توسط توماس فریدمن (متخصص مباحث سیاست خارجی، خاورمیانه و مسائل زیست‌محیطی) تهیه شده بود، عنوان می‌کند با توجه به اسنادی که به تازگی در ویکی لیکس به آنها دست یافته است، چگونه تنش‌های زیست‌محیطی به اعتراضات در سوریه کشانده خواهد شد. بر اساس این سند در هشتم نوامبر سال ۲۰۰۸ طی نامه‌ای از سفارت آمریکا در دمشق به وزارت امور خارجه توضیح داده می‌شود که با توجه به خشکسالی فراگیر، نماینده فائو در سوریه (عبدالله بن یحیی) در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۸ برای کمک به حدود یک میلیون نفری که از بدترین خشکسالی ۴ دهه اخیر آسیب دیده‌اند درخواست کمک ۲۳,۲۰ میلیون دلاری کرده است. همچنین او پیش‌بینی کرده است در صورت عدم موفقیت این تلاش‌ها، مهاجرت به صورت گسترده از مناطق شمال غرب سوریه شکل خواهد گرفت و این مهاجرت تبعات و تهدیدهای اقتصادی و اجتماعی برای این کشور در پی خواهد داشت. (Gleick, 2014: 334)

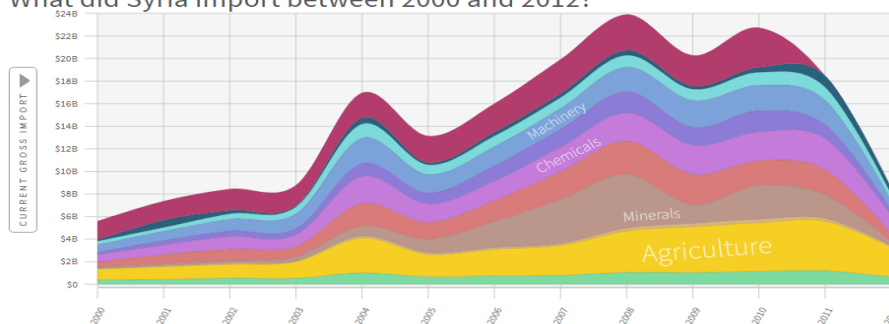
خشکسالی‌های پی‌درپی، کاهش تولیدات کشاورزی و به تبع آن از بین رفتن شغل بسیاری از نیروهای فعال در این بخش را در پی داشت. این شرایط سبب مهاجرت بسیاری از این افراد به حاشیه شهرها شد و متعاقب آن بر میزان فقر در مناطق شهرنشین جنوبی سوریه افزود. به نحوی که

میزان فقر طی ۵ سال (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱) تقریباً دو برابر شد. البته با توجه به سیاست اقتصاد آزاد که دولت در سال‌های اخیر به دنبال ایجاد آن بود، شاخص‌های کلان اقتصادی، رشد کرده بود، ولی با توجه به افزایش قیمت‌ها و عدم توانایی مردم، نرخ فقر در تمام مناطق سوریه رو به رشد بود. به نحوی که تقریباً ۳۰ درصد مردم سوریه در فقر به سر می‌بردند. این فقر در مناطق شرقی و شمالی و در سه استان الحسکه، الرقه و دیرالزور که تماماً سنی‌نشین هستند، بیشتر نمایان بود. (Daher,2018)

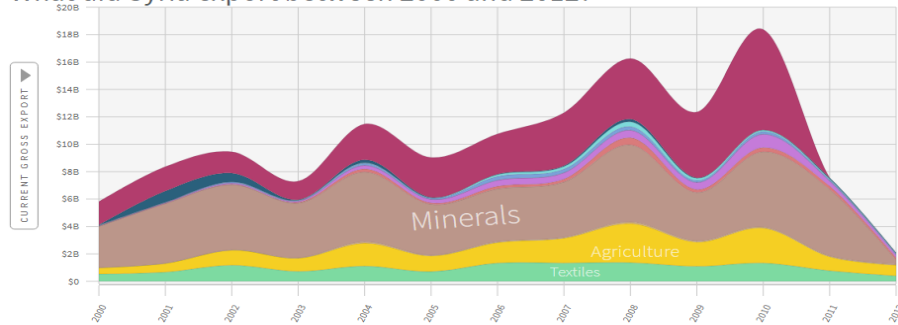
۵-۲- منفی شدن تراز تجاری و واردات بی‌رویه کالا

سیاست‌های نئولیبرالی و اقتصاد آزاد دولت سوریه که در سال ۲۰۰۰ به اجرا گذاشته شد، عمدتاً به نفع طبقه سرمایه‌دار و سرمایه‌گذاران خارجی به ویژه پادشاهی‌های خلیج فارس و ترکیه گردید. (Nasser,2013: 2) کاهش توان اقتصادی مردم با پیاده‌سازی این سیاست و همزمان کاهش توان تولید در بخش‌های گوناگون به جهت خشکسالی و افزایش جمعیت و نیاز روزافزون مردم به کالا، منجر به افزایش چشمگیر واردات در اواسط دهه ۲۰۰۰ شد و این در حالی بود که قدرت صادراتی این کشور به دلایل فوق رو به کاهش بود و هر سال بر تراز تجاری منفی سوریه افزوده می‌شد. در دو شکل زیر تراز تجاری سوریه بیانگر وضعیت اقتصادی بد سوریه می‌باشد. (شکل ۱) میزان واردات سوریه در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ - حداکثر رقم ۲۴ میلیارد دلار بوده است.

What did Syria import between 2000 and 2012?



What did Syria export between 2000 and 2012?



شکل ۲. میزان صادرات سوریه در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ - حداکثر رقم ۱۸ میلیارد دلار بوده است

منبع: atlas.cid.harvard.edu

حاصل آنکه منفی شدن تراز تجاری و واردات بی‌رویه کالا از جمله دلایلی بود که منجر به وضعیت بد اقتصادی در سوریه گردید که در نارضایتی‌های اجتماعی و سوءاستفاده گروه‌های تکفیری از این نارضایتی‌ها، مؤثر بود. برای اثبات این ادعا می‌توان به واردات بی‌رویه از کشور ترکیه اشاره کرد. روابط تجاری بین ترکیه و سوریه را می‌توان در سه دوره توضیح داد. دوره «درگیری» که سال‌های قبل از ۲۰۰۰ را شامل می‌شود که در آن تنش سیاسی بالا و حجم تجارت پایین است. دوره «عادی‌سازی» بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ که با همکاری‌های سیاسی و افزایش حجم تجارت همراه بود و دوره پس از ۲۰۱۰ که روابط رو به وخامت نهاد و حجم تجارت تا سال ۲۰۱۲ به شدت کاهش یافت. (Sertaç, 2017) البته در سال ۲۰۱۳ علی‌رغم حمایت‌های دولت ترکیه از مخالفان دولت سوریه، به دلایل مختلف از جمله نیاز ضروری مردم به انواع کالا و عدم تأمین کالاها توسط دولت مرکزی و عدم دسترسی مرزی و آسان هم‌پیمانان دولت سوریه در تأمین نیازهای ضروری مردم، آمار صادرات رسمی و غیررسمی ترکیه به سوریه مجدداً افزایش چشم‌گیری یافت.

ترکیه که دارای طولانی‌ترین مرز زمینی با کشور سوریه می‌باشد به موازات جو سیاسی مثبت در دهه ۲۰۰۰ بین دو کشور که به سرعت در حال توسعه بود، روند صادرات و روابط تجاری خود را با سوریه به شدت افزایش داد (Sertaç, 2017) به گونه‌ای که بعد از توافقنامه تجارت آزاد در سال ۲۰۰۴ بین دو کشور، بر اساس آمارهای رسمی پایگاه داده تجارت خارجی موسسه آمار

ترکیه، تراز تجاری ترکیه بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ بین دو تا پنج برابر سوریه بود و حجم واردات سوریه از ترکیه به شدت افزایش یافت. این آمار افزایش واردات سوریه از کشور ترکیه. نیز کاهش صادرات به آن کشور، به معنا رکود اقتصادی و گسترش بحران است.

جدول ۱- میزان صادرات و واردات ترکیه از سوریه

سال	ارزش کل صادرات ترکیه به سوریه (بر حسب میلیون دلار)	ارزش کل واردات ترکیه از سوریه (بر حسب میلیون دلار)	حجم کل مبادلات
۲۰۰۴	۳۹۴.۷۸۳	۲۴۷.۵۵۱	۶۴۲.۳۳۴
۲۰۰۵	۵۵۱.۶۲۷	۱۴۲.۵۸۵	۶۹۴.۲۱۲
۲۰۰۶	۶۰۹.۴۱۷	۱۸۷.۲۵۰	۷۹۶.۶۶۷
۲۰۰۷	۷۹۷.۷۶۶	۲۵۹.۲۸۲	۱.۰۵۷.۰۴۸
۲۰۰۸	۱.۱۱۵.۰۱۳	۳۲۳.۶۹۷	۱.۴۳۸.۷۱۰
۲۰۰۹	۱.۴۲۱.۶۳۷	۲۲۱.۴۵۴	۱.۶۴۳.۰۹۱
۲۰۱۰	۱.۸۴۴.۶۰۵	۴۵۲.۴۹۳	۲.۲۹۷.۰۹۸
۲۰۱۱	۱.۶۰۹.۸۶۱	۳۳۶.۶۴۶	۱.۹۴۶.۵۰۷
۲۰۱۲	۴۹۷.۹۶۰	۶۷.۴۴۸	۵۶۵.۴۰۸
۲۰۱۳	۱.۰۲۴.۴۷۳	۸۴.۹۰۹	۱.۱۰۹.۳۸۲
۲۰۱۴	۱.۸۰۰.۹۶۲	۱۱۵.۴۹۹	۱.۹۱۶.۴۶۱

پایگاه داده تجارت خارجی مؤسسه آماری ترکیه، <http://www.tuik.gov.tr>

۶- نتیجه گیری

منطقه غرب آسیا به عنوان مرکز جهان اسلام، با داشتن اهمیت بالای جغرافیایی و ذخایر عظیم انرژی، دهه هاست مورد توجه و تجاوز بسیاری از کشورهای استعمارگر جهان واقع شده است. سوریه یکی از کشورهای پر اهمیت منطقه محسوب می شود. این کشور که از استعمار و دسیسه های آنها بی بهره نمانده بود، بعد از روی کار آمدن حافظ اسد، با وجود مشکلات و عملکرد نامطلوب در برخی حوزه ها از جمله اقتصاد، ولی در سیاست خارجی علاوه بر برقرار گرفتن در جبهه مقاومت و دشمنی با رژیم صهیونیستی، دارای استقلال رأی و عدم پیروی از سیاست های غرب در منطقه بود. به دلیل همین سیاست های خارجی، نظام سوریه همواره از سوی مخالفان جبهه

مقاومت و طرفداران رژیم صهیونیستی مورد حمله و تهدید بوده است. از جمله این حمله، ایجاد بحران در سوریه از سال ۲۰۱۱ می‌باشد. کشورهای مخالف جبهه مقاومت در منطقه و فرامنطقه با استفاده ابزاری از گروه‌های تکفیری - سلفی و با سوءاستفاده از نقاط ضعف نظام سوریه، این بحران را آفریدند. اقتصادی ناکارآمد یکی از نقاط ضعف دولت سوریه بود که باعث گسترش بحران شد. اگرچه نمی‌توان درصد بالایی برای میزان تأثیر عوامل اقتصادی در بحران سوریه، معین کرد، اما برای جلوگیری از ظهور دوباره گروه‌های تکفیری و ممانعت از سوءاستفاده این گروه‌ها، ضروری است عوامل اقتصادی مؤثر بر بحران شناسایی و در جهت رفع آنها تلاش شود. بر اساس داده‌های این نوشتار، ایجاد اصلاحات اساسی در ساختار اقتصادی؛ رفع تبعض‌های مذهبی، قومی و سیاسی، جدیت در مبارزه با فساد، مبارزه علمی و روشمند با بلایای طبیعی همچون خشکسالی و کم‌آبی، کاهش واردات و سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید و صادرات، از جمله عوامل اقتصادی است که می‌تواند دولت سوریه را در ناکام گذاشتن اهداف کشورهای متخاصم، خنثی کردن توطئه‌های گروه‌های تکفیری و نیز جلوگیری از بروز بحران جدید یاری رساند.

فهرست منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله. (۱۳۹۱). «اخوانی گرایی و سیاست خارجی قطر در قبال انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۵۵.
- امامی، محمدعلی. (۱۳۷۶). «سیاست و حکومت در سوریه» تهران: وزارت امور خارجه.
- امینی، داود. (۱۳۹۱). «جغرافیای کشورهای جهان - سوریه» تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- آجرلو، حسین. (۱۳۹۰). «تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم‌اندازها» فصل نامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره ۶۶.
- برزین، سعید. (۱۳۶۵). «تحولات سیاسی در سوریه» تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بشارتی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «نقش کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تحولات و بحران سوریه» ماهنامه تبیان، شماره ۹۵ - ۹۶.
- جمشیدی، محمد حسین و دیگران (۱۳۹۶). «بررسی و تبیین عوامل مؤثر در ایجاد و استمرار بحران سوریه بر مبنای مدل پژوهشی برچر» دوفصلنامه جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۱.
- رکنی لموکی، محمد تقی، منصوری، حیدر و دیگران. (۱۴۰۰). «جریان‌های تکفیری در سوریه» قم: زمزم هدایت.
- زارغان، احمد. (۱۳۹۳). «زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا» فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۳.
- زارعی، سعدالله. (۱۳۹۸). «مصاحبه حضوری» اسناد قابل دسترسی در پرونده علمی مقاله.
- زاهدی، شمس السادات و دیگران. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد اداری» مدیریت فرهنگ سازمانی، سال هفتم، شماره ۲۰.
- زمانی محبوب و دیگران. (۱۳۹۶). «جغرافیای مذهبی سوریه» قم: زمزم هدایت.
- زیبایی، مهدی. (۱۳۹۷). «نهاد دولت در خاورمیانه عربی پس از حوادث ۲۰۱۱» فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۴.
- دهقان، یدالله و کتابی، محمود. (۱۳۹۵). «بررسی بسترهای سیاسی اجتماعی تأثیر گذار بر شکل‌گیری و رشد رادیکالیسم در سوریه» نشریه دانش امنیتی، سال سوم، شماره ۵.
- سردارنیا، خلیل الله و کیانی، فائزه. (۱۳۹۵). «تحلیل بحران سوریه از منظر شکاف‌های اجتماعی» دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۱.
- سعیدی، ابراهیم. (۱۳۷۴). «سوریه» تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- صدرالحسینی، سید رضا و عرب پور، علی. (۱۳۹۵). «داعش: اندیشه و عمل» قم: زمزم هدایت.
- صفوی، سید یحیی. (۱۳۹۳). «جهان اسلام: شمال آفریقا و غرب آسیا» کتاب اول، تهران: امیرکبیر.
- عطوان، عبدالباری. (۱۳۹۵). «تولد اهریمن» ترجمه فاروق، نجم الدین، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

نظری، علی اشرف و پیرانی شهره. (۱۳۹۶). «تحلیل کنش‌های خشونت‌بار داعش از چشم‌انداز روان‌شناسی سیاسی با تأکید بر نظریه تعارض واقع‌گرایانه»، پژوهشنامه سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۲.

کریمی، علی و گرشاسبی، رضا. (۱۳۹۵). «شیوه‌های بسیج سیاسی گروه‌های تکفیری، مطالعه موردی سوریه»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، سال ۴، شماره ۲.

محروق، فاطمه. (۱۳۹۴). «اقتصاد سیاسی تروریسم: مورد داعش» فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره ۲۸.

میرعلی، محمدعلی و محسنی محمد. (۱۳۹۶). «عوامل شکل‌گیری جریان‌های تکفیری رادیکال در سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، سال ۴، شماره ۱۵.

مرادی، اسداله؛ شهرام نیا، امیر مسعود. (۱۳۹۴). «بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵.

مرادی، مصطفی و دیگران. (۱۳۹۷). «تبیین جامعه‌شناختی و اولویت‌بندی زمینه‌ها و بسترهای محرک پیوستن پیکارجویان به گروه تروریستی داعش از منظر صاحب‌نظران ایرانی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۷.

منابع اینترنتی:

باقی، محمدحسین. (۱۳۹۶). «تبعات اقتصادی پیدا و پنهان جنگ با داعش» قابل دسترسی در:

<https://www.eghtesadnews.com>

۱۹ فروردین ۱۳۹۶

پایگاه خبری - تحلیلی میز نفت. قابل دسترسی در

<http://www.mizenaft.com/news/8094>

۲۵ مرداد ۱۳۹۴

تارنما شبکه خبر، قابل دسترسی در:

<https://www.irinn.ir/fa/news/509109>

۲۰ تیر ۱۳۹۶

خبرگزاری تسنیم، قابل دسترسی در

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/07/14/2112450/>

۱۴ مهر ۱۳۹۸

خبرگزاری تسنیم، قابل دسترسی در

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/01/18/703192>

۱۸ فروردین ۱۳۹۴

خبرگزاری تسنیم، قابل دسترسی در

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/11/02/1634909>

۲ بهمن ۱۳۹۶

خبرگزاری دانشجو، قابل دسترسی در

۳۷۳۸۰۸ <https://snn.ir/fa/news/>

۱۸ آذر ۱۳۹۳

خبرگزاری میزان، قابل دسترسی در

۲۶۱۲۹۷ <https://www.mizanonline.com/fa/news/>

۱۰ دی ۱۳۹۵

خلیلی، محمد جواد، (۱۳۹۸). «حزب بعث نهادی سکولار در بستری سنتی» سایت شعوبا، پایگاهی برای آشنایی با جامعه و فرهنگ ملل مسلمان، قابل دسترسی در:

<https://shouba.ir>

۱۸ آبان ۱۳۹۸

رضاخواه، علی رضا. (۱۳۹۲). «شیوه شناسی دشمن در مقابله با هویت یابی مسلمانان» قابل دسترسی در:

۱۶۹۴۸۵/۲۷/۰۷/۱۳۹۲ www.tasnimnews.com/fa/news/ [https://www](https://www.tasnimnews.com/fa/news/)

۲۷ مهر ۱۳۹۲

شاهسونی، مجتبی. (۱۳۹۶). ترجمه مقاله «وضعیت کنونی اقتصاد سوریه و سناریوهای احتمالی آینده» تارنما پارس تودی، قابل دسترسی در:

۹۸۲۷۱ https://farsi.iranpress.com/middle_east-i

۳۱ شهریور ۱۳۹۶

شبکه جهانی الکوثر قابل دسترسی در

۱۵۳۷۲۰ <https://fa.alkawthartv.ir/news/>

۱۸ مرداد ۱۳۹۷

وب سایت همشهری آنلاین قابل دسترسی در

<https://www.hamshahrionline.ir/news/300860/>

۲۱ تیر ۱۳۹۴

هاشمی فشارکی، سید جواد. (۱۳۹۸). خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) قابل دسترسی در

۹۸۰۸۱۱۰۵۴۲۰ <https://www.isna.ir/print/>

۱۱ آبان ۱۳۹۸

یاسینی، ریحانه. (۱۳۹۶). «هزینه ۳۳۶ میلیارد دلاری داعش روی دست عراق و سوریه» قابل دسترسی در:

۳۶۶۵۳۲۵ <https://www.magiran.com/article/>

۱ آذر ۱۳۹۶

منابع خارجی:

شورای امور بین الملل روسیه، (۲۰۲۰)، «تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه سوریه»، قابل دسترسی در:

<https://russiancouncil.ru/en/analytcs-and-comments/analytcs/u-s-and-european-sanctions-on-syria/>

<http://www.tuik.gov.tr> ترکیه، آماری مؤسسه خارجی تجارت داده پایگاه

- troudi.mohamed ,dhel .la syrie un pays mur pour l islamisme , Geosttategiques .n 13 – juillet 2003.
- W.b. Fisher," Syria physical and social Geography ."Europa Regional surveys of The World: The Middle East and North Africa, London, Routledge, 2011, p1051 .
- Kaplan, S. D. (2008). Fixing Fragile States: A New Paradigm for Development.Westport: Praeger Security International. Retrieved from <http://www.odi.org/comment>. [Accessed:1,04,2014]
- Serra Gianluca, (2015), »Over-grazing and desertification in the Syrian steppe are the root causes of war«, Article published in The Ecologist on June 2015 <https://theecologist.org/2015/jun/05/over-grazing-and-desertification-syrian-steppe-are-root-causes-war>
- Daher Joseph, (2018), »The political economic context of Syria's reconstruction: a prospective in light of a legacy of unequal development«, Article published in The European University Institute, https://cadmus-eui-eu.translate.goog/handle/1814/60112?_x_tr_sl=en&_x_tr_tl=fa&_x_tr_hl=fa&_x_tr_pto=op,sc
- Nasser, Rabie,(2013), » Socioeconomic Roots and Impacts of theSyrian Crisis« Damascus: The Syrian Center for Policy Research
- Hoerling, M., J. Eischeid, J. Perlwitz, X. Quan, T. Zhang, and P. Pegion, 2012: On the increased frequency of Mediterranean drought. J. Climate, 25, 2146–2161, doi:10.1175/JCLI-D-11-00296.1
- H. Gleick Peter, (2014), »Water, Drought, Climate Change, and Conflict in Syria«, Journal Weather, Climate, and Society, Article published: https://journals.ametsoc.org/view/journals/wcas/6/3/wcas-d-13-00059_1.xml?rskey=kB1Uqo&result=2
- Sertaç Hopoğlu, Serkan Künü, Hakan Irak, (2017), »Effects of the Syrian Conflict on the Turkish Economy«, 4th Edition, Revolutions, the Archaeology of Change, Articlepublished:https://www.researchgate.net/publication/317416059_Effects_of_the_Syrian_Conflict_on_the_Turkish_Economy
<https://atlas.cid.harvard.edu>

